

فیلم‌هایی که امروز می‌بینیم

تعبیر خواب عطاران (خواب(مانی مقدم)



ناهید پیشور

«خواب» با حضور رضا عطاران یکی از گزینیه‌های جذاب برای مخاطبان فیلم فجر است. مانی مقدم به‌عنوان یکی از فیلم‌اولی‌های جشنواره امسال نسبت دیگر کارگردانان اول این بخت را دارد که فیلمش بیشتر دیده شود؛ به‌خصوص اینکه جز عطاران فیلم بازیگران دیگری چون مریلا زارعی، هدی زین‌العابدین و علی مصفا را هم دارد. براساس آنچه به‌عنوان خلاصه داستان فیلم در رسانه‌ها منتشر شده به‌نظر می‌رسید باید شاهد یک کمدی فانتزی با رگه‌های اجتماعی باشیم ولی ظاهراً خواب کمدی نیست یا دست‌کم کمدی متعارفی نیست.

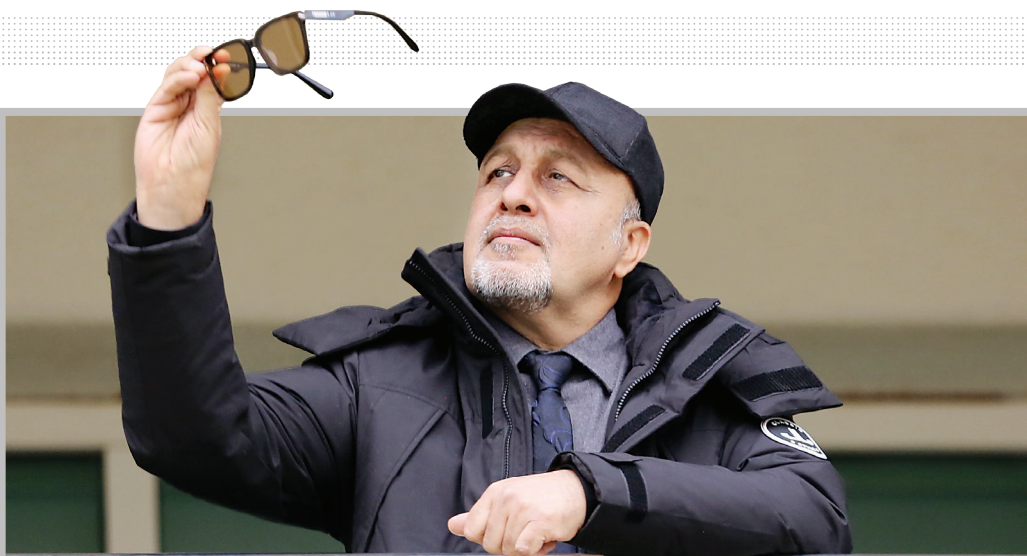
عطاران چندسالی است که با نوعی بی‌انگیزگی مشهود جلوی دوربین می‌رود و شاید بتوان امیدوار بود که با توجه به ظهور رقبای تازه نفس، شمایی از بازیگر خوش‌ذوق و محبوب دهه ۹۰ سینمای ایران را ارائه دهد. کیفیت کار او به‌عنوان بازیگر، احتمالاً در سرنوشت حرفه‌ای مانی مقدم، کارگردان فیلم «خواب» هم مؤثر خواهد بود.

رضا عطاران در فیلم «خواب»، نقش کارمند بایگانی را بازی می‌کند که زندگی‌اش دچار روزمرگی شده و خواب‌های عجیبی می‌بیند و ظاهراً بخش مهمی از رخدادهای فیلم در خواب‌های او می‌گذرد. «خواب» جزو فیلم‌هایی است که گفته می‌شود با دست و دلبازی ساخته شده است.

درام اجتماعی زن محور آرام بخش (سعید زمانیان)

قصه‌ای اجتماعی براساس یک پرونده واقعی؛ ماجرای دختری به نام آرام است که در آستانه ۴۰ سالگی تصمیمی می‌گیرد که زندگی‌اش را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این همه آن چیزی است که سازندگان فیلم «آرام‌بخش» درباره فیلم‌شان منتشر کرده‌اند.

اولین ساخته بلند سینمایی سعید زمانیان که پیش از این چند فیلم کوتاه کارگردانی کرده به‌صورت مشترک توسط او و پدرام پورامینی نوشته شده است. سینمای اجتماعی ایران در این سال‌ها بیشتر تحت‌تأثیر موج فیلم‌های سعید روستایی و «شنای پروانه» محمد کارت قرار داشته(همکار فیلم‌نامه‌نویس فیلم «آرام‌بخش» هم یکی از فیلم‌نامه‌نویسان «شنای پروانه» است). برخی از فیلمسازان توانستند از این موج گذر کنند و عده‌ای هم به دام تکرار افتادند. درباره «آرام‌بخش» که یکی از فیلم‌های بحث‌برانگیز جشنواره امسال است، باید به ترکیب جالب توجه بازیگرانش اشاره کرد. از الناز شاکر دوست تا حسن پورشیرازی و صابر ابر در این درام اجتماعی زن‌محور ایفای نقش کرده‌اند.



شعبده‌باز

رضا عطاران که امسال با فیلم «خواب» به جشنواره آمده بخش مهمی از تناقضات روحی و رفتاری ایرانیان را که توصیف آن ناممکن است نمایندگی می‌کند

علیرضا محمودی

رضا عطاران ستاره نیست. نه بیرون و حضورش در صحنه‌ها مطابق تعریف ستارگان سینمای ایران قبل از خودش است و نه درون و رفتارش در پشت صحنه‌ها برای ستارگی تنظیم شده. عطاران کم‌دینی از نسل بازیگران ساعت خوش است که توانسته خود را از یک بازیگر آیت‌های طنز تلویزیونی به شمایی فراگیر از انسان امروز ایرانی ارتقا دهد. عطاران بخشی از انتخاب‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های ایرانیان در نیم‌قرن اخیر را نمایندگی می‌کند که توصیف آنها با روابط علت و معلولی به کمک روان‌شناسی شاید برای غیر ایرانیان ناممکن باشد. رفتاری با بی‌توجهی و کلبی‌مسلکی و یلخی‌بودن که بیشتر از آنکه منش رفتاری داشته باشد، دلایل ناهمگونی از شرایط اجتماعی و جغرافیایی ایرانی‌بودن در این سال‌ها را توضیح می‌دهد؛ توضیحی که خودش غیرقابل توضیح



است. اما وجود دارد و در بسیاری از مواقع سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است. عطاران این موقعیت‌های توضیح‌ناپذیر را ابتدا در جهان ۲سریال «خانه‌به‌دوش» و «متهم گریخت» با بازیگری علی صادقی در نقش فرزند ۲خانواده بحران‌زده بر جسته کرد. سپس با حضور خودش در ۲سریال «بزن‌گاه» و «ترش‌وشیرین» آن را گسترش داد. او بازیگری را در نقش اول فیلم‌های کارگردانی چون سامان مقدم، کمال تبریزی، عبدالرضا کاهانی، ابوالحسن داودی و رامبد جوان در سکاسن‌هایی با حضور شخصیت‌های مختلف تکرار کرد و در نهایت با اقبال عمومی به نخستین کمدین تاریخ سینمای ایران تبدیل شد که واکنش مصرف‌کنندگان به حضورش همچون یک جوان اول است. عطاران هرگز الگوهای جوان‌اول‌بودن را ندارد، اما این شانس را دارد که درونیات و تمنیات مصرف‌کنندگان فیلم ایرانی را نمایندگی کند. همان ارتباطی که جوان‌اول‌های سینمای ایران در دهه‌های پیشین با شمایل‌های خود با تماشاگران برقرار می‌کردند.



برای درک آن چیزی که به‌عنوان مفهوم عطارانی در سینمای ایران جاری شده، بیاید با هم یک‌سکانس معروف‌شده از کارنامه عطاران را بدون حضور خودش مرور کنیم. در میان تمام سکانس‌های ویرال‌شده از سریال‌های ساخته‌شده رضا عطاران در شبکه‌های اجتماعی، یک‌سکانس بیش از همه دیده و پسندیده شده است. سکانسی از سریال «خانه‌به‌دوش» که خانواده مرزوقی دور سفره نشسته‌اند و مشغول خوردن چلوخورش قیمه هستند. در این سکانس علی صادقی در یکی از بهترین‌های خودش در نقش علی مرزوقی ظرف خورش قیمه را در ظرف ماست خالی می‌کند. حمید لولایی در اوج خودش در نقش ماشاءالله مرزوقی متوجه رفتار غیرقابل توجیه پسرش در فرهنگ غذاخوردن ایرانی می‌شود. لولایی می‌پرسد:

کجایی پسر؟ چرا قیمه‌ها رو می‌ریزی تو ماست‌ها؟

صادقی در اوج صادقی‌بودن خود فقط صدایی تولید می‌کند:

ها؟
مریم‌امیرجلالی که کنار صادقی نشسته فقط ناظر این صحنه است. لولایی برای بار دوم می‌پرسد:

چرا قیمه‌ها رو می‌ریزی تو ماست‌ها؟
صادقی همچنان در قله‌های خود مشغول سیر آفاق است و همان واکنش قبلی را با آکلمه دیگر تکرار می‌کند:

ها؟ چی؟

لولایی برای سومین بار بدون اینکه ناراحت شود تکرار می‌کند:

چرا قیمه‌ها رو می‌ریزی تو ماست‌ها؟

چندین ثانیه سکوت برقرار می‌شود. مریم‌امیرجلالی به‌صورت لولایی‌نگاه می‌کند. در صورتش بیشتر این جمله است که حالا وقت گیر آوردی؟ هنوز چیزی نگفته که علی صادقی به شکل خودش به‌خودش می‌آید:

آهان. نه بابا. هیچی. همینطوری.

خوشمزه‌تر می‌شه.

بعد از همه این تأکیدها و پرسش‌ها و نگاه‌ها همه چیز به پایانی غیرمنتظره در فرهنگ ایرانی